



دانشگاه فنی و حرفه ای دختران ارومیه

درس هنر و تمدن اسلامی

استاد : حبیبه یوسفی

1398 \_ 99

جلسه اول

## فهرست مطالب

### مقدمه

- ۱-۲ ..... پیدایش هنر  
۲-۳ ..... پیدایش تمدن

### هنر و تمدن اسلامی

- ۵-۱۲ ..... امویان (بنی امیه)  
۱۳-۲۱ ..... عباسیان  
۲۲-۲۹ ..... خلفای اموی اسپانیا  
۳۰-۴۱ ..... مصر  
۴۲-۴۴ ..... سلجوقیان روم  
۴۵-۴۶ ..... ایوبیان و سلسله ی اتابکان  
۴۷-۵۸ ..... ترک های عثمانی  
۵۹-۷۰ ..... هند  
۷۱-۷۴ ..... تیموریان و شیبانیان در آسیای میانه

### ایران

- ۷۵-۱۰۷ ..... معماری  
۱۰۸-۱۵۹ ..... نقاشی  
۱۶۰-۱۷۳ ..... خط و خوشنویسی

۱۷۴-۱۸۳	.....	کتابت
۱۸۴-۱۹۲	.....	بافندگی
۱۹۳-۲۰۰	.....	قالی بافی
۲۰۱-۲۱۱	.....	فلز کاری
۲۱۲-۲۱۳	.....	شیشه گری

## پیدایش هنر

با توجه به گسترش حوزه های معرفتی و دانش بشری و نظریات متعدد، تعاریف گوناگونی در زمینه ی هنر وجود دارد. امروزه هنر را معادل علم و معرفت، فضیلت و کمال، زیبایی شناسی و مهارت های خاص و بیان احساسات تعریف کرده اند.

با مطالعات انجام شده مشخص گردیده که انسان های اولیه با مخاطراتی روبرو بوده اند که همواره آنها را در تشویش و نگرانی قرار می داد و خشم طبیعت جسم و روحشان را می آزرده، از این رو نیازهای ابتدایی زندگی، چون تامین خوراک، پناهگاه و جدال برای بقای روزانه، تمامی زندگی شان را در بر می گرفت.

زندگی گروهی برای انسان های اولیه از مواردی بود که می توانست در نیل به آرامش نسبی آنان موثر باشد. آرامشی که می توانست بخشی از نیروهای او را که در کشمکش آزار دهنده با طبیعت و بقای فردی صرف می شد آزاد کند و او را به سوی تفکر و تأمل در خویشتن و پی ریزی زندگی منضبط تر آینده هدایت نماید.

ابتدایی ترین آثار هنری که انسان خلق کرده و تا کنون یافت شده، به حدود سی هزار سال قبل باز می گردد و دوره های پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی تا شروع تمدن های باستانی را در بر می گیرد. این آثار شامل تصاویری از انسان و حیواناتی چون گاو کوهاندار، گاو وحشی، گوزن، اسب و...، تندیس های انسانی و معماری است.

معمولا محل نقاشی ها در عمق غارها و دور از نور طبیعی بوده است. از این رو به نظر می رسد آثار هنری یافت شده جنبه ی تزئینی و نمایشی و مبنای زیبایی شناختی نداشته باشد. تأمل بیشتر در این موضوع، بر این واقعیت تأکید می کند که اولین نقاشی های آفریده شده دست انسان به طریق اسرارآمیزی دور از دید عموم کشیده شده است.

حال اگر این نقاشی ها، برای زیباتر کردن محیط و به منظور نمایش و ایجاد لذت بصری خلق نشده اند، چرا انسان های اولیه این آثار را، با ابزارها و وسایل بسیار ابتدایی و مشکلات عدیده ی طبیعی که همواره زندگی آن ها را به مخاطره می افکنده، ترسیم کرده اند؟

همانطور که اشاره شد، موضوع اکثر نقاشی های دیوار و سقف غارها تصویر جانوران بوده است. این جانوران نقش مهمی در بقای انسان اولیه (به عنوان غذا) داشته اند. البته شکار جانوران عظیم الجثه و خطرناکی چون گاو وحشی، گوزن و... برای بشر نخستین، کاری بس دشوار و خطرناک بوده و چه بسا جان خود را در این شکارهای متهورانه از

دست می داده است. این نقاشی ها نه تنها با زندگی روزمره ی پیشینیان ما ارتباط موضوعی داشته اند، از جنبه ی کاربردی نیز حائز اهمیت بوده اند.

شاید انسان نخستین، با دقت در ترسیم شکل، حرکات و رفتار و تناسبات جسمی یک جانور، به شناختی جامع از حریف قدرتمند خود دست می یافته و با آفرینش دوباره ی آن جانور در قالب تصویر بر دیوار و سقف غار گویی بخشی از وجود آن جانور را که به تسخیر در می آورده، مغلوب خود کرده و سپس با تیر اندازی به سوی آن بر مهارت خود می افزوده است و هنگامی که به شکار می رفته با اعتماد به نفس و مهارت بیشتری با شکار روبرو می شده است. شاید هم با ترسیم پیکره جانور، حیوان حذف شده را مجدداً به چرخه طبیعت باز می گردانده است. از این رو شاید آثار به دست آمده (نقاشی ها و پیکره ها) برای او از اهمیت اسرار آمیزی برخوردار بوده و همچون طلسم های جادویی عمل می کرده اند.

با این حال نیاز ذاتی انسان به بهبود و کمال، او را به تغییر ساختار زندگی و تکامل شیوه های معیشتی رهنمون کرد. رفته رفته از شکار جانوران به نگهداری و پرورش آنان (دامداری) روی آورد و به تدریج راز و رمز خاک را کشف کرد و راه و رسم کشاورزی را آموخت.

شیوه ی جدید زیست، انسان را در ایجاد سرپناه هایی دائمی و استقرار در محدوده های جغرافیایی مشخص ناگزیر ساخت و با سپری شدن زمان، مهارت در خانه سازی که از ملزومات زندگی گروهی بود، پیشرفت کرد و برای تهیه ظروف پخت و نگهداری مواد غذایی به سفالگری و ریخته گری دست یافت و با استفاده از رنگ های طبیعی (معدنی، گیاهی، جانوری) در تزئین و زیبا سازی محیط زندگی، صنایع دستی، نقاشی ها و پیکره ها که بیانگر توان هنری انسان ها بود به صورت پیشرفته تری دست یافت.

همین جوامع کوچک ابتدایی نقطه ی شکل گیری تمدن های بزرگ در ادوار بعد شد. تمدن هایی که آثار ارزنده ی به جای مانده از آن ها معرف تأثیری ژرف در سرنوشت بشریت است و ما انسان های معاصر، بخش اعظمی از هویت کنونی خویش را مدیون همین تمدن ها هستیم.

## پیدایش تمدن

لفظ تمدن از ریشه ی "مدینه" (شهر) اخذ شده است و آن را "شهر نشینی" و خصالت های مربوط به زندگی شهری می دانند. تمدن به مفهوم "نظام اجتماعی بلند مرتبه" با شاخص هایی چون: "هنر"، "علم"، "فرهنگ" و "نظام حکومتی پیشرفته" است و در مقیاس

وسیعتر، به مرحله ای از رشد فکری، علمی، ادبی و فرهنگی گفته می شود که فرد متمدن را به عنوان انسانی فرهیخته از دیگر انسان ها متمایز می سازد.

با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که هر اجتماع انسانی را، در قالب شهر یا کشور و حتی منطقه، نمی توان تمدن نامید جز آنکه در زمینه ی هنر و فرهنگ و دانش و حکومت پیشرفته باشند.

هنگامی که سخن از تمدن های کهن به میان می آید دو منبع ارزشمند و قابل اعتماد وجود دارد: یکی منابع مکتوب و دیگری آثار هنری و معماری است.

#### ۱- منابع مکتوب

شامل کتیبه ها، الواح، نسخ خطی و ... که خود به عنوان آثار هنری معرف ذوق و حس زیبایی شناسی یک ملت هستند و کتاب ها، که یافته های علمی یک تمدن و ملت را آشکار و اطلاعاتی در مورد ابعاد مختلف زندگانی در آن عصر را بیان می کنند.

#### ۲- آثار هنری و معماری

شامل اطلاعات دقیق و ظریف دوران خود بوده و نشانگر روح حاکم بر یک ملت هستند. به همین دلیل است که امروزه موزه ها نه تنها محل جذب هنرمندان اند، بلکه آثار هنری از منابع اصلی تحقیقات علمی، فرهنگی، تاریخی و دیگر علوم انسانی به شمار می روند.

## هنر و تمدن اسلامی

شبه‌جزیره عربستان عموماً بایر و آتش‌فشانی بوده و این امر زراعت و کشاورزی را جز در جوار واحه‌ها و چشمه‌سارها، دشوار می‌نمود. بنابراین شهرها و دیارها در عربستان موقعیتی پراکنده و دور از هم داشتند و در بین آنها دو شهر مکه و مدینه جزو شهرهای مهم عربستان محسوب می‌شدند. اجتماعی زندگی کردن برای زنده ماندن در شرایط صحرایی لازم بوده؛ بدون یاری یکدیگر و تشکیل قبیله، محیط ناملاطم و شرایط سخت زندگی در صحرا حیات انسانی را غیر ممکن می‌ساخت. نیاز به همبستگی و اتحاد افراد به عنوان یک گروه، موجبات تشکیل قبیله را فراهم می‌ساخت و این گروه‌های قبیله‌ای بر اساس وابستگی‌های خونی و قوم و خویشی تشکیل می‌شد. مردم عربستان یا کوچ نشین و یا ساکن یک ناحیه بودند. گروه اول به صورت مداوم در تلاش برای یافتن آب و چراگاه برای حیواناتشان بوده، در حالی که گروه دوم با تکیه بر تجارت و یا کشاورزی امرار معاش و گذران زندگی می‌نمودند. به دلیل شرایط سخت زندگی، کوچ نشینان برای ادامه زندگی تا حدی مجبور به یورش به کاروان‌ها و واحه‌های اطراف بوده و بنابراین از منظر آنان این‌گونه غارتها و چپاول‌گری‌ها، تبهکاری به حساب نمی‌آمد. مدینه به صورت عمده یک مرکز کشاورزی بود، در حالی که مکه یک مرکز مهم تجاری برای بسیاری از قبایل اطراف محسوب می‌گشت.

## اعتقادات دینی

در عربستان پیش از اسلام خدایان (مذکر یا مؤنث) به عنوان محافظین قبایل مختلف در نظر گرفته می‌شدند. اعتقاد بر این بود که روح این خدایان ارتباطی با درختان، سنگ‌ها، چشمه‌ها و جاده‌های مقدس دارد. آنچه امروزه کعبه خوانده می‌شود پیش از اسلام یک صحن مهم در عربستان در شهر مکه بود که شامل بت‌های مربوط به ۳۶۰ خدای محافظ قبایل مختلف می‌شد و هر سال اعراب برای به‌جا آوردن حج به مکه می‌آمدند. به غیر از خدایان قبیله‌ای، همه ی اعراب اعتقاد به یک خدای مشترک برتر به نام «الله» داشتند. بر اساس اعتقاد آنها، «الله» توجهی به زندگی روزمره آنها نداشت و در نتیجه خدای یک گروه خاص نبوده و هم چنین تشریفات مذهبی برای آن انجام نمی‌شد. اعراب اعتقاد داشتند که الله سه دختر دارد که آنها نیز به نوبه خود خدا هستند. نام این سه لات، منات و عزی بود. برخی از قوم‌های یکتاپرست چون مسیحیان و یهودیان و همچنین پیروان آیین حنیف (حنفا) نیز در عربستان وجود داشتند، لیکن در صحت تاریخی مورد آخر بین محققان اختلاف نظر وجود دارد.



قبیله ی قریش، قبیله ی بسیار مهم و حاکم در مکه بود که پرده داری و کلید داری کعبه را به عهده داشت. مکه و کعبه در آن زمان نیز مکانی مقدس در نزد اعراب به حساب می آمد. اگرچه جایگاه بت‌ها و بت پرستانی بود که مسلمانان معتقدند یکتاپرستی و آیین حنیف ابراهیم را نادیده گرفته بودند، اما همه ساله یکتاپرستان (حنفا) و بت پرستان برای مراسم حج یا تقدیم قربانی، از دور و نزدیک به زیارت کعبه می آمدند.

اسلام در اوایل سده ی هفتم میلادی در حجاز یا عربستان، در جنوب غربی آسیا شکل گرفت. در سال ۶۲۲ میلادی با هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه، تاریخ اسلامی آغاز و هجرت پیامبر اکرم به مبدا تاریخ اسلام بدل شد.

هدف هنر اسلامی بیان وحدت است. هنرمند مسلمان، وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می کند؛ اشکالی که بار معنایی رمزپردازانه و نمادین دارند. هنر اسلامی هنری غیر واقع گراست که توجهی به ظاهر عینی طبیعت ندارد و می کوشد تا از طبیعت گذر کند و جهانی فرا خاکی را به تصویر درآورد.

تمدن و فرهنگ اسلام، در پرتو عوامل مشترک زبانی، دینی، اعتقادی و فکری، واجد روحی یگانه گشت، آهنگی مستقل یافت و از ورای این یگانگی، هنر اسلامی زاده شد.

هنرهای اسلامی، شاخه های گوناگونی را در برمی گیرد. هنرهای اولیه ی اسلامی منحصر به معماری، سفالگری، پارچه بافی و کنده کاری روی چوب و عاج بود، اما به زودی هنر کتاب سازی، کتاب آرایشی، نگارگری، قالی بافی، فلزکاری و موسیقی نیز در دوره های تاریخی اسلامی رونق یافت.

در کشورهای اسلامی، معماری و سایر هنرها رشد قابل توجه یافته و نوآوری هایی را به وجود آورد. این تحولات گاه روش و سیاق محلی را در پیش گرفت و گاه مشخصا از شیوه های هنر ایرانی تاثیر پذیرفت که در اینجا به اختصار به آن می پردازیم.